

## ملازمات اخلاقی شبهه پژوهی در سیره امام رضا علیه السلام

### چکیده:

روند پاسخ‌گویی به شبهات، نیازمند آگاهی از مؤلفه‌هایی در دو حوزه شناختی و روشی است. از این میان آگاهی به مؤلفه‌های اخلاقی پاسخگویی به شبهات، روند شبهه پژوهی را تسهیل می‌نماید. بهترین منبع برای فهم مؤلفه‌های اخلاقی پیش گفته، سیره معصومین (علیهم السلام) در مواجهه با شبهه‌گران است.

سیره امام هشتم شیعیان به سبب معاصرت، مواجهه و مناظره با دانشوران ادیان مختلف، گروه‌های سیاسی، فرقه‌های مذهبی و اقشار مختلف، منبع مناسبی برای کشف مؤلفه‌های پیش گفته است. این پژوهش با بهره از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن آداب و رفتار شبهه پژوهی در سیره امام رضا (علیه السلام) است.

دستاورد پژوهش آنست که ایشان با شناخت دقیق شبهه‌گران و جریان‌های شبهه‌ساز از اصول اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای بهره می‌بردند؛ برخی از این موارد عبارتند از: قدرت برهان و استدلال، رعایت آداب سخنوری، ایجاد اشتیاق در مخاطب، هم‌آوایی با ادیان توحیدی در برابر کفر و هتدارهای به هنگام.

**واژگان کلیدی:** امام رضا (علیه السلام)، اخلاق پاسخگویی، شبهه، حدیث.

\*طلبه سطح ۴ حوزه علمیه، دانشجوی دکترا رشته فقه جزایی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

## طرح بحث

آداب گفتگوی علمی، مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات را به اعتبار دسته‌بندی‌های گوناگون می‌توان به آداب شخصی، علمی، گفتاری، رفتاری و آداب عمومی تقسیم نمود. (زمزمی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۳)

تواضع، عزت‌مندی، پایداری بر حق، احترام به سوی دیگر، تسلیم در برابر حق، اخلاص، انصاف و عدالت بخشی از آداب شخصی پاسخ‌گویی به شبهات هستند. دانش کافی، آغازیدن از مبانی و نقاط مشترک، استدلال‌گرایی، بیان آشکار و منطقی نیز نمونه‌های از شرائط علمی مناظره دو سوپه است. برخی از آداب گفتاری نیز عبارتند از: گزیده‌گویی، بر ساختن عبارات متناسب، استفاده از تلمیح به جای صراحت و گفتار سامان یافته.

آداب و قواعد رفتاری و گفتاری پاسخ‌گویی به شبهات در کنار به کار بردن اسلوب‌های استوار علمی را می‌توان دو گام در ساختن دستگاه پاسخ‌گویی به شبهات نامید.

پیمودن گام اول از دو طریق ممکن خواهد بود

۱- استفاده از دانش‌های اخلاق و روان‌شناسی؛

۲- روش‌شناسی برخی مناظرات به عنوان نمونه.

از آنجا که پژوهش‌های یاد شده در پیشینه به روش‌شناسی یا الگوسازی برای پاسخ‌گویی به شبهات توجه کافی نداشته‌اند؛ یافتن اسلوب رفتاری-گفتاری پاسخ‌گویی به شبهات بسیار بایسته می‌نماید.

از دیگر سو، اهل بیت پیامبر افزون بر بهره‌گیری از برترین اخلاق؛ آگاه‌ترین افراد به روش‌های مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات و دفاع از کیان عقاید اسلامی هستند. ازینرو توجه در سیره آن‌ها با رویکرد روش‌شناسانه، الگویی مناسب برای ساختن الگوریتم رفتاری و اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات فراهم خواهد آورد.

درمیان مناظرات امامان، گونه‌های مختلف شبهات و مناظرات عصر امام رضا (علیه-



السلام)؛ در کنار وجود کانون‌های گوناگون شبهه‌گر نمونه‌ای مناسب برای بازپژوهی شمرده می‌شود. پژوهش حاضر که در رده ارتباطات و تبلیغ دینی قرار می‌گیرد؛ از یک سو با مسائل نوین علم کلام پیوند دارد و از سویی دیگر با اخلاق عملی اسلامی.

به دیگر سخن، این نوشتار با پی‌جویی سنت و سیره رضوی، درصدد یافتن الگوی مناسب رفتاری - گفتاری مواجهه با شبهه‌گران است که ازین نظر محتوایی نظری برای اخلاق کاربردی و روش‌های تبلیغ دینی فراهم می‌آورد.

اصول، قواعد و آداب گفتگوی دانش بنیان، همواره مورد توجه دانشوران علوم گوناگون به ویژه علم اخلاق و رفتارشناسی بوده است. این موضوع در کتاب‌های دانش - های منطقی و کلام نیز با بیان روش گزاره (پیام) شناسی و روش کلی رویارویی با پیام‌ها پی گرفته شده، اما در این کتب هیچگاه نه تعریفی جامع از شبهه ارائه شده نه از اسلوب پاسخ‌گویی به شبهات سخنی رفته است.

نوشته‌های فراوانی درباره آداب اخلاقی و رفتاری مناظره و جدل سامان یافته است. برخی از نوشته‌ها مانند «ادب الحوار فی الاسلام» نوشته محمد سید طنطاوی و «الحوار فی القرآن الکریم» محمد حسین فضل الله، بخش‌هایی را به انواع گفتگوهای مبتنی بر پرسش‌گری در قرآن و سنت نبوی اختصاص داده‌اند که جنبه تفسیری آن‌ها پرننگ می‌نماید.

برخی دیگر مانند «اصول الحوار و آدابه فی الاسلام» به کوشش صالح بن عبدالله بن حمید، «الحوار، آداب و أخلاق و ثقافة أمه» نوشته محمد فنخور العبدلی و جزوه عمر عبدالله کامل با نام «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به دسته بندی آداب گفتگو و بیان بایسته‌های اخلاقی دو سوی مناظره پرداخته‌اند. کتاب «الحوار، آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه» به قلم یحیی زمزمی یکی از بهترین پژوهش‌ها در دسته بندی آداب و روش‌های انواع گفتگوست.



با این همه آداب و اسلوب رفتار در پاسخ گویی به شبهات کمتر مورد توجه دانشوران قرار گرفته است. هم سان انگاری میان مناظره و شبهه پژوهی یکی از دلایل احتمالی عدم وجود نوشتارهای مستقل درین زمینه است. کتاب‌هایی چون «روش شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید» به کوشش رضا برنجکار و «روش شناسی پاسخ گویی به پرسش‌های اعتقادی» به قلم محسن عباسی، بخش‌هایی از پژوهش خود را به بیان برخی آداب پاسخ به شبهات اختصاص داده‌اند. مقاله محی الدین عطیه در مجله الحوار و نیز مقاله «ادب الحوار و شرائط الجدل» از یوسف قرضاوی در شماره ۱۶۰ ماهنامه العالمیه در همین راستا قابل ارزیابی هستند.

## الف. مفهوم شناسی

### ۱. شبهه

شُبْهه بر وزن فُعْله برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، مانده حق (به مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است. (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۰۴ / ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۲۴۳ / صبحی صالح، ۱۳۸۶: ص ۸۱)

این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چیستی و چگونگی است. (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۴۴۳) پس هرگاه پدیده‌ای بیهوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار در آورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد. از همین رو آن پدیده نادرست را شبهه گویند. هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها و روند استدلال است. برای نمونه برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل شده و غرض از آن اثبات حق است.

دستگاه شبهه‌سازی فاقد حداقل یکی از این مؤلفه‌های دانش محور است. شبهه بر نوعی استدلال یا برهان نیمه تمام استوار است که فاقد مولفه‌های پیش گفته است. ارکان



شبهه عبارتند از:

الف) حقیقت؛ ب) مشابه حقیقت؛ ج) وجه مشابهت؛ د) میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب التباس و خطا می‌گردد.

بر این اساس هر انگاره استدلال گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کج‌تابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شبهه نام دارد.

این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست، بلکه شبه استدلالی است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.

## ۲. لازمه‌های اخلاقی پاسخ به شبهات

لازمه‌های اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهاست که بر اساس آگاهی از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شناخت روحيات مخاطب و شنونده بیرونی، جریان‌های سیاسی و ... با استفاده از منابع دینی به شکل روشی اخلاقی و کنش‌های عملی جلوه‌گر می‌شود.

این روش‌ها به شکل مستقیم با متن شبهه و پرسش پیوند نمی‌خورد ولی به گونه‌ای غیر مستقیم بر حل شبهه، اقناع مخاطب و شنونده کارگر خواهد بود. شمار فراوانی از آیات قرآنی در بردارنده احتجاج و کلام همراه برهان در موضوعاتی چون توحید، عدل، نبوت و معاد در مقابل ناباوران و شبهه‌گران است.

اشاره قرآن به بایستگی و نیاز به جدال احسن (نحل/ ۱۲۵)، نشانه‌ای بر تشویق برای یافتن اسلوب و الگوی متناسب علمی، گفتاری و رفتاری در پاسخ‌گویی به شبهات و گره



های ذهنی و عملی است. الگویی که برای نمایاندن حق و دفاع از باورهای دینی بسیار ضروری می‌نماید.

## ب. جریان‌شناسی شبهه‌گران و گونه‌شناسی شبهات عصر رضوی

توسعه علوم مسلمین در عصر صادقین و گسترش قلمرو سرزمین اسلامی در سال‌های بعد، سبب آشنایی مسلمانان با مکاتب فکری یونان، هند، ماوراءالنهر و ایران باستان شد. در عصر ولایتعهدی ظاهری امام رضا (علیه‌السلام) نیز در منطقه خراسان، پیروان مسیحیت، یهودیت، زردتشتی‌گری و صابئان در کنار بدنه اصلی امت که پیرو مکتب خلفاء بودند، زندگی می‌کردند. (علوی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳۰)

فطحیه، واقفیه، زیدیه، اسماعیلیه و نیز غالیان مهم‌ترین گروه‌های منتسب به شیعه بودند که سبب پیدایش شبهات فراوان درون مذهبی در زمانه امام هشتم گردیده بودند. برای نمونه واقفیه با انگیزه‌های مالی و سیاسی، امتداد امامت پس از امام هفتم (علیه‌السلام) را منکر شده و زمینه‌ساز پیدایش شبهات فراوانی پیرامون ویژگی‌های امام، مهدویت و پایان امامت گشته بودند. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۱۶۸)

شبهه‌گران عصر رضوی را در سه رده کافران ملحد، اهل کتاب و مسلمین می‌توان تقسیم کرد. باورمندان به اصالت ماده و طبیعت، مشرکان عرب و معتقدین به تناسخ، باورمندان به قدرتمندی شر و دوگانه‌گرایان، گونه‌هایی از کافران این دوره بودند. اهل کتاب نیز خود به چهار گروه مسیحیان، یهودیان، زردتشیان و صابئان تقسیم می‌شدند.

مسلمانان شبهه‌گر نیز به سه دسته شیعی مذهب، عامه و خوارج تقسیم می‌شدند. عامه خود در گروه‌هایی چون معتقدین به جبر الهی، باورمندان به تفویض و مجسمه قابل ارزیابی بودند.



شیعیان نیز به گروه‌های چون واقفیه، غالیان و باورمندان به تأثیر نجوم رده‌بندی می‌شدند. (واسعی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۳)

در این میان نیز افرادی مانند حسین بن خالد، تنها حامل شبهه بوده (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۶) و در برساختن و باور به شبهه هیچ نقشی نداشتند. از این رو بهتر است این افراد را با نام «کانون‌های متأثر از شبهه» یاد نمود.

موضوعاتی مانند آموزه‌های حوزه توحید و نبوت مانند کیفیت صفات الهی، خلقت اولیه، هدف از ارسال پیامبران، چگونگی عصمت و برهان برای شفاعت آن‌ها، دلایل اثبات نبوت، اعجاز قرآن، ظواهر و بطون قرآن و توسل به پیامبران را در میان شبهات این دوره می‌توان برشمرد.

هم چنین مواردی پیرامون چیستی امامت، نیاز به امام و لزوم آن، فضایل علی (علیه‌السلام) و تقدم او بر سایر صحابه، غصب فدک، علم امامان، عصمت ایشان، صفات معصومین، دلایل اثبات امامت امام هشتم و حکومت ناحق خلفاء برخی از شبهات پیرامون امامت در آن دوران بودند.

برخی از مهم‌ترین گونه‌های روش‌های شبهه‌گری در عصر رضوی به شرح ذیل است: پرسش‌گری بیهوده و شبهات نالستوار بر برهان، بهره‌گیری از مغالطه کوچک نمایی و تخصیص توسط مأمون در شبهه‌گری به مقام اهل بیت (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۴۸)، مغالطه تجسم و انگاره وجود حقیقت خارجی برای امور انتزاعی، سود جستن از مغالطه اکثریت در اثبات حقانیت مکتب خلفا توسط یحیی بن ضحاک (همان، ج ۲، ص ۲۳۲)، استفاده از مغالطه کُنه و وجه توسط مأمون در مقایسه رفتار هر معترض سیاسی با زید بن موسی (علیه‌السلام)، دست‌آویز قرار دادن دُور در شبهه‌زدینی درباره آفریده نخستین، به کاربردن دروغ در شبهه انتساب اندیشه غلو به همه شیعیان و کاربست مغالطه نیافتن دلیلی معتبر در شبهه اثبات وجود خدا.



## ج. روش‌های اخلاقی امام رضا (علیه‌السلام) در پاسخ به شبهات

بنابر گزارش ابراهیم بن عباس، رعایت آداب مناظره و دانش فراوان امام هشتم (علیه‌السلام) برای همه دانشوران روزگار حضرت آشکار بود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۸۰). از آنجا که این نوشتار در پی یافتن اسلوب رفتاری-گفتاری مناسب پاسخ‌گویی بر شبهات بر مبنای سیره رضویست، تمامی روش‌ها و نمونه‌های پیش رو با استفاده از مطالعه در احادیث امام، گزارشات تاریخی مربوط به زمانه و نیز نگاشته‌های آن حضرت سامان یافته است. برخی ازین روش‌ها به شرح ذیل هستند:

### ۱. احترام به مخاطب و عدم اهانت به مقدسات او

هرچند پاسخ‌گویی به شبهات با رویارویی نقادانه همراه است و انکار نظریات رقیب را در پی دارد ولی حفظ فضای محترمانه در شمار حقوق شبهه‌گر قرار می‌گیرد. این رفتار، شخصیت شبهه‌گر را در نظر دیگران نمی‌کاهد و سبب تشویق او به پذیرش حقیقت خواهد شد. گفتمان آمیخته با احترام و پاسداشت مخاطب، یکی از روش‌های برقراری ارتباط عاطفی و روانی با او در جهت تفهیم بهتر مبانی علمی است که قرآن نیز بدان توجه داده است (حجرات/ ۱۱).

قرآن کریم یکی از محرک‌های انگیزشی لجاجت راه، اهانت به مقدسات مخاطب می‌داند (انعام/ ۱۰۸)؛ چرا که در محیط آمیخته به ناسزاگویی، استدلال‌های علمی و منطقی تاثیر گذار نخواهند بود.

توصیه حضرت علی (علیه‌السلام) به پرهیز از کلام ناروا و آمیخته با توهین در بحبوحه جنگ با شامیان (صبحی، ۱۳۸۶: ص ۳۲۳)، نشان از اخلاق مدارای پیروان راستین اسلام در سخت‌ترین شرایط دارد.

شیخ اجل نیز درین باره می‌نویسد:





«سنت جاهلان است که چون به دلیل از خصم فرو مانند، سلسله خصومت بجنابانند.»  
(سعدی، ۱۳۷۲: ص ۱۶۶)

قرآن کریم، فرعون را یکی از افرادی می‌داند که پس از درمانده شدن در برابر پاسخ‌های استوار حضرت موسی بر شبهه وجود پروردگار هستی، به توهین و تهدید روی آورد. (شعراء/ ۲۹)

زدوده بودن کلام از طعنه، درشت‌گویی، تجریح، تمسخر و گونه‌های کوچک‌نمایی شبهه گر، از ویژگی‌های پاسخ مناسب است (ابن حمید، ۱۴۱۵: ص ۲۵)

امامان شیعه، مبانی فکری و آموزه‌های خویش را بر آزادی عقاید، احترام به صاحبان آنها، ترک دشمنی و عدم تحمیل عقیده استوار کرده بودند. (آقانوری، ۱۳۸۷: ص ۲۵۶) و در سفارشات فراوانی پاس نداشتن حریم مخاطب و فرو کاستن منزلت او را ناروا شمرده‌اند. (رک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۴۳)

آنان هم چنین، به وابستگی‌های مذهبی-عاطفی مخاطبان توجه ویژه‌ای داشتند و در گفتگوهای خود با پیروان مذاهب، سبب تحریک احساسات مذهبی و فرقه‌ای نمی‌شدند. گزارش‌های فراوانی از سفارش امامان به سنجیده‌گویی درباره اصحاب پیامبر وجود دارد. (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۱۸، ص ۳۹۶-۴۰۲)

امام رضا (علیه‌السلام) نیز به نقل از امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«خاندان پیامبر همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر، به بهترین وجه سخن گفت.» (رازی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۵۰)

ایشان بر همین اساس شیعیان مناطقی که مورد اهانت پیروان عثمان قرار می‌گرفتند به بردباری در دولت باطل سفارش می‌نمود. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۸، ص ۲۴۷)

پاسخ‌گویی مستدل به شبهه‌گری بی احترامانه حسین بن قیاما (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۰۹)، رعایت منزلت اجتماعی و دینی پیشوای یهودیان و مسیحیان در هنگامه مناظره



(همان، ج ۱، ص ۱۵۸) نمونه‌هایی از این احترام است.

## ۲. حفظ آرامش فضای گفتگو

یکی از شالوده‌های اثربخشی در مخاطب، بهره‌وری از سخن نرم، خوب گوش دادن و آهنگ گرمی بخش در سخنوریست. قرآن کریم، افزون بر راهنمایی به بهترین شیوه گفتاری (اسراء/ ۵۳؛ بقره/ ۸۳)، یکی از راه‌های برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب را مبتنی بر گفتمان و لحن متناسب و آرام می‌داند.

امام باقر (علیه‌السلام) نیز در این باره چنین توصیه نمود:

«نیک گوش دادن را فرا بگیر همانگونه که سخن نیک را می‌آموزی و کلام هیچ کس را پیش از پایان آن قطع نکن.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۲۲)

امام (علیه‌السلام) برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان کرده و از سخنان رنج آور خودداری می‌کردند. نمونه‌هایی از کاربردی نظام‌پسندیده رفتاری-گفتاری در سیره رضوی به این قرار هستند:

استقبال از مناظره‌گران با عبارات آمیخته با محبت و احترام،

استوار سازی سخن بر انگاره‌های معتدل همه پذیر،

رفتار متواضعانه در مجلس گفتگو،

قطع نکردن سخن گوینده با وجود استدلال نادرست،

رعایت آداب نامه‌نگاری در نوشته‌های حاوی شبهه و پذیرش گرم از منصرفان از اندیشه نادرست.

نتیجه این رفتار، کاسته شدن حرارت و شور شبهه‌گران و تمایل آن‌ها به پذیرش مبانی حق است. تا جاییکه افرادی مانند فتح بن یزید جرجانی و احمد بن محمد بزنطی به سبب پاسخ‌های دقیق امام به شبهات از اندیشه نادرست خود دست شسته و به تشیع گرویدند



(حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱)

ابراهیم بن عباس رفتار امام رضا (علیه السلام) در پاسخ گویی را چنین گزارش می کند:  
«من هرگز حضرت ابی الحسن الرضا (علیه السلام) را ندیدم که در سخنش به کسی ستم کند و بد بگوید و ندیدم سخن کسی را قطع کند بلکه صبر می کرد تا او از سخن گفتن فارغ می شد بعد از آن تکلم می فرمود.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۳۱۶)  
این ادب ورزی تا بدانجا بود که امام در مقابل هم نشینان هرگز به چیزی تکیه نمی زدند. (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۶۳)

پرهیز از اطناب و سخنان دشوار فهم در کنار گزیده گویی نیز یکی دیگر از ویژگی های گفتاری امام هشتم شیعیان در پاسخ به شبهات است. برای نمونه، امام (علیه السلام) در پاسخ شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با دستور الهی به انجام تکالیف، توجه به عدل الهی را راه حل فهم صحیح کیفیت تکالیف دانستند.

هم چنین در شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، پاسخی جز دعوت به اندیشیدن پیرامون ناتوانی انسان در برابر خالق ارائه نکردند. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۱۴)  
این گزیده گویی در مواردی رخ می نمود که شبهه برآمده از تفسیر نادرست از آموزه های بنیادین اسلام می بود. در چنین مواردی توجه دادن به نادرستی بنیان های عقیده مخاطب، ساختمان شبهه را فرو می ریزد و دیگر نیازی به تبیین و تشریح جزییات و فروعات نیست.  
همچنین پرهیز از کار بست واژگان نامتعارف به ویژه در مسائل اعتقادی، سبب گسترش فهم آموزه ها در لایه های شناختی گونه های متفاوت مخاطبین می شود. بر همین اساس، علی (علیه السلام)، پیراستگی سخن از پیچیدگی های را سبب فهم آسان آن برای همه گروه های مخاطبین و مایه بلاغت کلام دانسته است. (لیثی، ۱۳۷۶: ص ۵۶ و ۱۲۴)

تبیین معانی مجازی و رهنمون شدن به روح معنا در شبهات حوزه صفات الهی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۳۷) نمونه های دیگر از رعایت آداب سخنوری در سیره رضوی شمرده می شود.



### ۳. ایجاد اشتیاق در مخاطب و تشویق وی به همراهی

برانگیختن مخاطب برای همراهی کردن در فرازهای مختلف گفتگو و مناظره، یکی از راه‌های زدودن گام به گام شبهات از صفحه ذهن اوست. این روش را با نام «همراهی سقراتی» نیز می‌شناسند. آغازیدن کلام از قضایای بدیهی و وجدانی و مبانی مشترک میان دو سوی شبهه، زمینه ساز گفتگو و تبیین استوار پاسخ‌های مُجیب خواهد بود.

در سیره رضوی، تمایل مخاطب برای ادامه گفتگو، گواهی بر همدلی و همراهی مخاطب با کلام امام هشتم و اشتیاق وی برای یافتن پاسخ است. اشتیاق سلیمان مروزی برای فهم بیشتر درباره مفهوم بقاء، نمونه‌ای از کاربرد مناسب این روش است. (حرعاملی، ۱۳۸۰: ص ۳۰۶)

تشویق مخاطب، افزون بر اینکه تشکر از او در پذیرش حق محسوب می‌شود، زمینه تعامل بیشتر با او را فراهم می‌سازد. برای نمونه، نوفلی جریان‌های پسا مناظره امام رضا (علیه‌السلام) با عمران صابی و پیروزمندی برهان امام را چنین گزارش می‌کند که امام به دنبال عمران فرستاد و هدایایی به او بخشیده و در مجلسش او را تکریم نمود. (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۴۰) و او را به نمایندگی خود در اخذ وجوهات یکی از مناطق خراسان برگزید. وی نیز با اختیار مذهب تشیع، یکی از مدافعان مسائل کلامی گردید. (حرعاملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۹)

### ۴. استقبال از پرسشگری

بنا بر گزارش علی بن جهم، بردباری امام رضا (علیه‌السلام) در شنیدن و پاسخ به شبهات آن چنان فراوان بود که تنها در یک نمونه به چهارده شبهه پیاپی مأمون پیرامون عصمت پیامبران، با استفاده از ۵۷ فراز از آیات قرآن، شماری از احادیث پیامبر خدا، گزارش‌های تاریخی و ده‌ها دستگاه استدلال منطقی استناد فرمودند. (طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۶).



به گواهی حاکم نیشابوری، امام (علیه السلام) در زمان سکونت در مدینه، ساعاتی از روز را به پاسخ‌گویی سؤالات و شبهات در مسجد نبوی اختصاص می‌داد. (نیشابوری، بی تا: ۱۳۱). مناظره امام رضا با سلیمان مروزی متکلم بزرگ خراسانی نیز در بردارنده پرسش‌ها و شبهات فراوان سلیمان از امام و پاسخ‌های متکی بر برهان بود که درماندگی سلیمان از ادامه مناظره را در پی داشت. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۰۴)

گزارش حسن بن محمد نوفلی از مناظره امام با دانشوران ادیان و مکاتب، در بردارنده استقبال امام هشتم برای مناظره با دانشور و رهبر معنوی زردتشتیان آن روزگار است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۳۱۰)

هم چنین با وجود پرسش‌های فراوان عمران صابی پیرامون وجود واحد و بایسته‌های آن، امام (علیه السلام) با فرمودن جملاتی مانند «سَلِّ عَمَّا أُرِدْتُ» و «سَأَلْتَ فَأَفْهَمِ الْجَوَابَ» او را به پرسش‌گری بیشتر دعوت نمود. همین رفتار سبب علاقه‌مندی وی به امام رضا (علیه السلام) و پذیرش اسلام شد تا جایی که وی یکی از پاسخ‌گویان شبهات کلامی پیرامون توحید گشت. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ص ۴۳۹)

استوار سازی پاسخ شبهه بر منابع شناختی مورد قبول شبهه‌گر نیز یکی از روش‌های علمی-اخلاقی پاسخ‌گویی به شبهات است. امام رضا (علیه السلام) این روش را به قدری بایسته به کار می‌برد که سبب تشویق مخاطب در پرسش از نادانسته‌های دیگرش می‌شد. برای نمونه، امام پس از استناد به انجیل در مقابل رهبر کاتولیک‌های آن دوره، وی را در پرسیدن هر پرسشی آزاد گذاشت. ایجاد این فضای باز شناختی، جاثلیق را آن چنان مشتاق نمود که نادانسته‌های خود درباره حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) را از ایشان جويا شد. دعوت‌های سه گانه امام هشتم به پرسش‌گری مجدد، برای جاثلیق چنان اثر بخش بود که وی از ادامه مناظره با امام خودداری کرده و به برتری علمی و اخلاقی امام هشتم گواهی

داد. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۸)



فرمودن عبارت «تسألنی أو أسألك؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۶۴) به پیشوای یهودیان نیز گواهی بر آمادگی امام هشتم (علیه السلام) برای پاسخ‌گویی به هر شبهه‌ای است.

## ۵. تعلیق عقاید

از آنجا که گاهی میان باورهای بنیادین شبهه‌گر و پاسخ‌گو هیچ وجه مشترکی وجود ندارد، لازم است تا پاسخ‌گو برای بیان نادرست بودن انگاره شبهه‌گر در گام نخست مناظره، از اثبات عقاید خود و نیز داوری درباره نادرستی شبهه دست بردارد و در گام پسین با به کاربردن قیاس ذوحدین، برهان خلف و تبیین لوازم و بایسته‌های منطقی شبهه، ناروا بودن آن را آشکار سازد.

این روش که به پدیدار شناسی ایپوخه نیز نام بردار است، به معنای تعلیق موقت عقاید فردی و به تعویق انداختن داوری در مورد باورهای سوی مقابل است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۷۳)

نمونه‌ای از کاربری این روش را در مناظره امام رضا (علیه السلام) با خدا نا باور منکر معاد می‌توان دید. در این مناظره، امام به جای رد شبهه او در عدم وجود جهان آخرت، تنها به بایسته‌ها و لوازم باورمندی به معاد و عدم آن اشاره کرد و از داوری ابتدایی درباره عقیده شبهه‌گر و نیز اثبات عقیده خود صرف نظر کرد تا با نمایاندن اصل منطقی و وجوب دفع خطر محتمل، ناروا بودن معاد ناباوری را به اثبات برساند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۱۹۴)

نامه امام در پاسخ به شبهه یزید بن معاویه شامی پیرامون ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، نمونه‌ای دیگر از کاربری این روش است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۲۶)

ظاهر پاسخ امام در بردارنده دفاع اولیه یا ابطال مستقیم هیچ یک از دو انگاره جبر و اختیار مطلق نیست و تنها بر نادرستی بایسته‌ها و لوازم هر دو باور متکی است تا راه سومی به نام «أمر بین امرین» را پاسخی مناسب برای این گره ذهنی معرفی کند.



## ۶. پای بندی به هدایت و اقناع مخاطب

نگرش باز به مسایل، تعهد به تأثیرگذاری در مخاطب، آمادگی برای بازگویی مطالب، توجه دادن مخاطب به باز اندیشی در دانسته‌های خود (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۲۴) نمونه‌هایی از پای بندی امام (علیه‌السلام) برای فهماندن مطالب به مخاطبین است.

برای نمونه در مناظره امام با پیشوای مسیحیان، سرعت بخشی به فهم مخاطب با واسطه گری در تبیین صحیح مبانی شناختی او، رساندن مخاطب به فهم انتقادی و پیراسته و بهبود خودآگاه نقش آفرینی مخاطب در جریان مناظره کاملاً آشکار است.

همچنین در مناظره با رأس‌الجالوت نیز توصیه امام رضا (علیه‌السلام) به وی درباره فهم و اندیشیدن درباره موجود اول، گزارش شده است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۱)

مرحوم صدوق در روایتی، پرسش فقهی ابوهاشم جعفری درباره چگونگی نماز شخص مصلوب را با پاسخی به روش تبیین آشکار مطلب از جانب امام رضا (علیه‌السلام) و دعای ایشان برای فهم پاسخ در اندیشه مخاطب گزارش می‌کند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۵۶)

در پایان این روایت امام (علیه‌السلام) برای هدایت یابی ابوهاشم دست به دعا برداشتند که نشانگر مسئولیت پذیری ایشان در هدایت مخاطب است.

## ۷. توجه به آزادی اندیشه و بیان

تبیین معارف دینی نیز در سپهری به دور از تنش‌های برتری جویانه شکل می‌گیرد. از این رو رسانیدن حس آرامش و امنیت به مخاطب در فضای گفتگو بسیار نقش آفرین است. قرآن کریم نیز با توصیه به فراهم آوردن شرایط امن، حس پناه‌جویی و انتخاب آزاد را در مخاطب پر رنگ می‌سازد. (توبه / ۶)

یکی از آشکارترین ویژگی‌های پارادیم فرهنگی عصر رضوی آزادی اندیشه و بیان است. حضور دانشوران غیر مسلمان و نیز فرقه‌های مسلمانان مخالف مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بهترین گواه بر وجود آزادی‌های ظاهری فکری و سیاسی در آن روزگار است.



بنابر گزارش نوفلی، امام رضا (علیه السلام) پس از مناظره با هربرد، رو به حاضرین فرمودند:

«يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ فِيكُمْ أَحَدٌ يُخَالِفُ الْإِسْلَامَ وَ أَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ فَلْيَسْأَلْ غَيْرَ مُحْتَشِمٍ»

(جزائری، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۳۷۷)

پیام این عبارت به روشنی، آزادی گفتمان و گفتگوی مخالفان اسلام در اظهار عقاید و شبهات خود به اسلام است.

از آنجا که هدف از پاسخ گویی، تبیین حقیقت است بایسته است تا رقیب را در تغییر دادن نظرات برای دست یابی به پاسخ اقناعی آزاد گذاشت؛ و وی را در چیدمان مقدمات استدلال خویش و تغییر مواضع مختار گذاشت. دعوت امام هشتم به پرسش گری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به گونه ای بود که باورمندان به الوهیت ستارگان و خدا ناباوران به سادگی شبهات خود درباره پروردگار و مخالفت با اسلام را در حضور مقامات سیاسی دوران بیان می کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۳۸) توجه به جایگاه سیاسی امام به عنوان مقام سیاسی دوم مملکت اسلامی نیز در خور توجه است.

## ۸. هشدار دادن به مخاطب در شبهات پیرامون آموزه های بنیادین اسلام

بنا بر متون روایی اندیشیدن و پرسش گری در همه امور رشد آفرین است؛ اما پرسش و شبهه درباره جزئیات چیستی پروردگار، نتیجه ای جز اضطراب و تشویش عقل و گمراه شدن خویش و دیگران در بر ندارد. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۳۸۳) ازین رو پرسش گری در این حوزه ممنوع شمرده شده است. (حرعاملی، ج ۱۶، ص ۱۹۵)

امام هشتم در پاسخ شبهه یکی از حدیث پژوهان هم عصر خویش به نام ابوقره، پیرامون تکلم مادی پروردگار با حضرت موسی (علیه السلام) وی را از بازگویی چنین باورهایی زنهار داد و با فرمودن عبارت





«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا تَقُولُ وَمَعَاذَ اللَّهِ أَنْ يُشْبِهَ خَلْقَهُ أَوْ يَتَكَلَّمَ مَا هُمْ بِهِ مُتَكَلِّمُونَ» (مجلسی،

۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۳۴۴)

پاسخ‌گویی خویش را با هشدارِ تکان دهنده آغازید. باید توجه داشت در فرازهای دیگر همین مناظره، استدلال‌های امام بر براهین عقلی و نقلی استوار بود و تنها به سبب اهمیتِ مباحث خدانشناسی، لازم بود تا امام انگاره‌های نادرست این سپهر را با هشدارِ اولیه در هم می‌شکند.

نفرین امام بر باورمندان به راستی انتساب حدیث:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ص ۱۵۳)

نیز نمونه‌ای دیگر از این هشدارهاست که انگاره شبهه‌ناک تشبیه آدمی به پروردگار را با چالش روبرو می‌کند. در مناظره با یکی از خدا ناباوران نیز با فرمودن عبارت «وَيْلُكَ، إِنْ أَلَّذِي ذَهَبَتْ إِلَيْهِ غَلَطٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۱۹۴)، لرزشی سهمگین در انگاره‌های ناروای او درباره پروردگار ایجاد کرده است.

یکی از راه‌های هشدار در کلام سوگند است. سوگند، تأکیدی است که برای نمودار کردن اهمیت مطلب به کار می‌رود. (سیوطی، ۱۴۴۰: ج ۲، ص ۲۵۹) امام هشتم با بهره‌گیری از این راهکار تربیتی، در ابتدای مناظره با جاثلیق، وی را به عیسی (علیه‌السلام) و مادرش سوگند داد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۳۰۶) و ازین طریق زمینه آگاهاندن وی درباره نادرستی شبهه الوهیت مسیحی را آماده ساخت تا با استناد به براهین نقلی و عقلی این شبهه را بزدايد افزون بر این کاربست عبارت سوگندی «بِحَقِّ الْإِبْنِ وَ أُمَّه» کنایه‌ای به باور قدیس خدا انگارانه اقاییم سه گانه (پدر، پسر و روح القدس) در سنت مسیحی بود.

هشدار دادن به عمران صابی با عبارت:

«سَلِّ يَا عِمْرَانُ وَ عَلَيْكَ بِالنَّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجَوْرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱،



ص ۱۶۸) برای رعایت عدل و انصاف و پرهیز از گفته‌های ناروا پیرامون پروردگار، نمونه‌ای از قاطعیت امام در پاسخ گویی به شبهات مربوط به توحید است.

روش‌مندی رفتاری امام رضا (علیه‌السلام) در پاسخ به شبهات یکی از خدا ناباوران، آن‌چنان اثر بخش بود که سبب مسلمان شدن وی گردید. برخی از آداب و روش‌های ایشان در مقابل زندیقان عبارتند از: هشدار دادن در زمان انگاره‌های ناروا درباره خدا، نفی انحصار گرای شناختی، گزیده‌گویی، استحکام سخن (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۳۹۶)

امام رضا (علیه‌السلام) با فرمودن عبارت «وَيْلَكَ إِنَّ أَلْدَى ذَهَبَتْ إِلَيْهِ غَلَطٌ» در پاسخ شبهه یکی از ایشان پیرامون جایگاه مکانی پروردگار وی را به ناروا بودن این انگاره هشدار داد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۳۱)

## ۹. فروتنی و پرهیز از کبر

تکبر در لغت به معنای خود را بزرگ پنداشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۹۷) و در علم اخلاق، برتر دانستن خود از دیگران و تحقیر و خوار دیدن آن‌هاست. یکی از اجزاء اصلی شبکه شناختی شبهه‌گران، کبر علمی است. خوی متکبرانه زمینه ساز رویگردانی از راه کمال و میل به انحراف فکری و عملی می‌شود. (اعراف/ ۱۴۶)

امام هشتم شیعیان با وجود دارا بودن مقام امامت و برترین دانش‌ها رفتاری فروتنانه داشتند و این سیره، سبب زدودن بسیاری شبهات می‌شدند.

برای نمونه مهرورزی امام به هم سفران و خادمان و حضور بر سفره طعام آنها، در کنار استدلال بر یکسان دانستن منشاء خلقت همه آدمیان سبب زدودن شبهه رفتاری یکی از همراهان حضرت درباره برتری ظاهری افراد گردید. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۲۳)

هم چنین، گزارش رفتار و گفتار نیکوی امام هشتم توسط معروف کرخی برای پدرش، سبب زدودن شبهات وی پیرامون پذیرش اسلام با وجود آیین مسیحیت، گردید. (مازندرانی،



حضور امام در مجلس مناظره‌ای که مأمون سامان داده بود، گواهی بر فروتنی حضرت در مقابل دانشوران ادیان و مذاهب بود. چرا که مأمون، امام را میان حضور در قصر سلطنتی یا حضور دانشمندان در محضر امام، مخیر کرده بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۴۰۰)

امام رضا (علیه‌السلام) شبهه عباسیان درباره عدم برخورداری امام از شایستگی علمی کافی برای ولایتعهدی را بدون هیچ اشاره‌ای به توانمندی علمی خویش فروتنانه پاسخ گفت؛ و تنها به یادکرد پروردگار هستی و ابطال انگاره‌های سنخیت و عینیت میان خالق و مخلوق با براهین استوار پرداخت. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۰۰)

روح حاکم بر مناظره امام و سلیمان مروزی پیرامون شبهات مرتبط با آموزه بداء و اراده الهی، فروتنی در برابر شبهه‌گری است که او را در مقابل پرسش‌های خویش ناتوان می‌پنداشت. (جزایری، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۳۷۸)

فروتنی امام در برابر شبهه رهبر مسیحیان به گونه‌ای سبب ایجاد فضای باز علمی شد که وی در حضور دانشوران مسلمان و عالی‌ترین مقام دستگاه سیاسی اسلام، به شبهه‌گری علیه اسلام و نبوت پیامبر پرداخت. (عروسی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۳۱۳)

## ۱۰. انصاف و عدالت

امام رضا (علیه‌السلام) نه تنها انصاف و عدالت اخلاقی و علمی را یکی از بایسته‌های باورمندی به عقاید می‌دانست بلکه به رعایت آن در طرح شبهات و پاسخ‌گویی به معارضان توصیه می‌فرمود. ایشان یکی از شالوده‌های انصاف را مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر و شریعت پذیرفته شده سوی دیگر مناظره می‌دانند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۸۱) سخن گفتن با هر شبهه‌گری بر اساس بایسته‌های زبانی و شناختی متناسب با آنها (همان، ص ۷۵) نیز نمونه‌ای از کاربست این روش است.

برای نمونه وقتی رهبر کاتولیک‌های روزگار مأمون، برای اثبات نبوت پیامبر اسلام دو



شاهد غیر مسلمان از امام رضا طلبید، امام با فرمودن عبارت «الآن جئت بالنصفه»، روش علمی را منصفانه ارزیابی کرد و با معرفی یوحنا دیلمی و قسطاس رومی به عنوان دو شاهد آگاه بر سخنان حضرت عیسی (علیه السلام)، رضایت‌مندی جاثلیق را کسب نمود (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۱۹۵)

امام رضا (علیه السلام) در جریان این مناظره با اقرار گرفتن از وی در مورد صحت آموزه های انجیل چهارگانه با گواه گرفتن حاضرین در مجلس، به شبهه عدم نیاز به پیامبر اسلام، با استناد به همان چهار انجیل پاسخ گفت (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۲۱)

## ۱۱. مدارا و تسامح دینی

هدایت‌گری علمی و رفتاری پیشوایان معصوم شیعه، همواره با بردباری در مقابل سختی ها، گزافه گویی ها و خواسته های مردم آمیخته است.

پیامبر اسلام در این باره می‌فرماید:

«وَأِنْ أَبْرَارَ عَتْرَتِي وَأَطَائِبَ أَرْوَمِي أَحْلَمُ النَّاسِ صِغَارًا وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَارًا أَلَا وَإِنَّا

أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۲۴۰)

درسیره رضوی نیز، رفق و مدارا یکی از شاخصه های رفتاری در مناظرات شمرده می شود. سخت‌گیری و عدم تسامح دینی یکی از آسیب‌های درون‌دینی است که ضربات فراوانی به هم‌افزایی مذاهب و گفتگوی میان ادیان وارد نموده است.

قرآن نیز با آزاد دانستن باطنی انتخاب دین (بقره/ ۲۵۶)، پیامبران را با اوصافی چون بشیره، نذیر و پیام رسان معرفی کرده است. (یس/ ۱۷؛ سبأ/ ۲۸)

آیاتی چون «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده/ ۴۸)

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَسْكَاتًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ» (حج/ ۶۷)

به رعایت ادب اسلامی در برابر صحبان ادیان، پرهیز از سخت‌گیری‌های بی‌مورد و



انتقاد نابجا از مناسک و آداب ایشان رهنمون هستند. یاد کرد این نکته بایسته است که تسامح دینی، هرگز به معنای پذیرفتن همه مبانی، باورها و آداب ادیان و مذاب گوناگون نیست، بلکه تنها راهی برای گفتمان سازی و توجه به نقاط مشترک بوده و نتیجه مبارک آن، علاقه مند سازی سایر ادیان به اسلام است.

امام رضا (علیه السلام) نیز یکی از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی کرده (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ص ۳۳۹) و در پاسخ شبهه یکی از شیعیان درباره چرایی رفتار نیک با والدین مخالف مکتب اهل بیت می‌فرماید:

«برای آن‌ها دعا کن و صدقه بده حتی اگر حقیقت امامت را نپذیرفته باشند و با آن‌ها سازش کن چرا که پیامبر خدا با رحمت برانگیخته شد نه با نامهربانی» (خرانی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۶)

مناظرات و نامه نگاری‌های امام رضا (علیه السلام) با پیروان سایر ادیان و حتی مخالفان سرسختی چون سلیمان مروزی آکنده از خیرخواهی بوده و امام (علیه السلام) در نقش پیشوای معنوی و تکوینی همه موجودات، با دلسوزی در پی راهنمایی و هدایت گمراهان به سوی حقیقت بود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۷۹ / احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ج ۵، ص ۲۷۰)

شیخ صدوق، یکی از اشعار منسوب به امام رضا (علیه السلام) که مفاهیمی مانند فضیلت سازش اسلامی، صلح جویی، گذشت و هم زیستی مسالمت آمیز را در بردارد، چنین گزارش کرده است:

و ذی غَلَّةٍ سَالَمْتَهُ فَقَهَرْتَهُ	فَأَوْقَرْتَهُ مَنِّي لَعْفًا وَ التَّجَمَّلَ
وَ مَنْ لَا يُدَافِعُ سِيئَاتِ عَدُوِّهِ	بِإِحْسَانِهِ لِمَ يَأْخُذُ الطَّوْلَ مِنْ عِلِّ
وَ لَمْ أَرْ فِي الْأَشْيَاءِ أَسْرَعَ مَهْلِكًا	لِغَمْرِ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادٍ مُعْجَلٍ



«بسا دشمن پرکینه ای که با او سازش کردم و بر وی غالب آمدم. سپس با بخشش ارزشمند او را تکریم نمودم. هرکسی که اعمال ناروای دشمن خود را با نیکی دفع نکند، در بخشش و احسان به روش بزرگواران عمل نکرده است. و برای زدودن کینه های قدیمی، هیچ چیز را از مهر ورزی اثربخش تر نیافتیم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۷۵)

یادکرد این نکته شایسته است که در سیره رضوی مواردی می‌یابیم که حضرت با قاطعیت فراوان و حتی نفرین به برخی جریان‌ها رفتار کرده‌اند. این روش در برخورد با جریان‌های افراطی مانند غالیان، فرقه‌های منحرف کننده از اصول امامت مانند واقفیه و نیز باورمندان به انگاره‌های نادرست درباره پروردگار مانند مجسمه و مشبهه رخ نموده است. امام (علیه‌السلام) درین گونه موارد، سازش ناپذیر، دقیق، بدون اغماض و بسیار حساس بودند.

## ۱۲. حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه‌گری درباره آن

امام (علیه‌السلام) به جای شبهه به باورهای نادرست ادیان ابراهیمی، آموزه‌های استوار و درست باورمندان به این ادیان را شرح و تبیین می‌فرمود. توجه به این نکته بسیار مهم است که ادیان آسمانی بواسطه اشتراک در آبخور معارف و آموزه‌ها، جبهه واحدی در برابر خدا ناباوران و مکاتب غیر توحیدی شمرده می‌شوند. تضعیف آن‌ها در برابر جبهه مقابل، اردوگاه همه باورمندان به توحید را با چالش روبرو می‌سازد. ازین رو، پاسداران راستین حریم اسلام، هیچ‌گاه به شبهه‌گری مغرضانه علیه سایر ادیان اقدام نمی‌کنند. اما با یادآوری و هشدار نسبت به انحراف‌ها، کج‌روی‌ها، برداشت‌های سلیقه‌ای و تحریف‌ها، در زدودن آن‌ها می‌کوشند.

کاربست جدال احسن در برابر شبهه‌گران منتسب به سایر ادیان آسمانی، تنها در حوزه فروع و آموزه‌های جنبی است نه ایجاد تشکیک در اصالت این ادیان.

امام رضا (علیه‌السلام) نیز با کاربرد این روش، هرگز در بنیان‌های وجودی این ادیان،



شبهه انگیزی نکردند بلکه با توجه دادن شبهه‌گران به بایسته‌ها و لوازم فاسد انگاره‌های خود در عقاید و احکام فرعی، به آن‌ها هشدار می‌داد.

مناظره امام رضا (علیه‌السلام) با رهبر دینی زردشتیان زمانه خود، گواهی بر حفظ اصالت همه ادیان الهی در مقابل شبهه‌گران است. درین گفتگو، هر بد بزرگ، دلیل باورمندی خود به نبوت زردتشت را گزارش‌های تاریخی بر وجود او و احکام متفاوت کیش زردشتی نسبت به سایر ادیان می‌دانست. امام (علیه‌السلام) در مقام دفاع از ستیر ادیان الهی، همین دلایل را برای حقایق این ادیان نیز کافی دانست و ازین طریق به شبهه عدم نیاز به شرایع موسوی، عیسوی و پیامبر خاتم پاسخ گفت. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰)

### ۱۳. استواری دلیل و برهان مداری

استوارسازی پاسخ‌گویی به براهین غیر قابل انکار خرد ورزان، سبب ساده‌سازی فهم کلام می‌شود. امام رضا (علیه‌السلام) نیز در پاسخ به شبهات مرتبط با آموزه‌های بنیادینی چون توحید، چگونگی صفات پروردگار، چیستی، لوازم و بایسته‌های امامت، عصمت انبیاء و معاد، کلام خویش را بر براهین و پذیرفته‌های بدیهی عقل استوار می‌ساختند.

امام رضا (علیه‌السلام) با آموختن بن مایه‌ها و قواعد عقلانی به شاگردان خویش، روش‌هایی برای پاسخ به شبهات پی‌ریزی میکرد. برای نمونه برای پاسخ به شبهات حوزه ناهمخوانی اراده و تقدیر الهی با اختیار آدمی اصل «واسطه بودن مخلوقات در نقش اسباب جریان عالم» را برای پاسخ به همه شبهات این عرصه کافی دانست. (مفید، ۱۴۱۳، ۱۹۸)

بنیان نهادن شبهه تثلیث مسیحیت بر براهین عقلی مانند مخلوق بودن حضرت عیسی (علیه‌السلام)، شباهت او به سایر آدمیان و عبادت‌های ایشان سبب سکوت جاثلیق از ادامه شبهه‌گری شد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۵۹)

روش ورود به پاسخ و خروج از آن همگی با توجه به مخاطب و گونه شبهه در اسلوب-هایی روشن قرار می‌گیرند که سبب حفظ صورت منطقی گفتار می‌شود. آغازیدن سخن از



براهین مقدماتی و نتیجه‌گیری در انتهای سخن در همه پاسخ‌های امام رضا (علیه‌السلام) به چشم می‌خورد.

برای نمونه ایشان برای پاسخ‌گویی به شبهه مأمون پیرامون ناسازگاری عصمت آدم (علیه‌السلام) با آیاتی مانند «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه/ ۱۲۱)

گام‌های زیر را پیمودند: برشمردن آیات موضوع سکونت آدم در بهشت و چگونگی خوردن از شجره ممنوعه؛ تفسیر صحیح آیات؛ تمایز میان تشریح در دنیا با بهشت نخستین آدم و حوّا و لزوم عصمت انبیاء پس از نبوت. از آنجا که شبهه مأمون برآمده از فهم نادرست قرآن بود؛ امام رضا (علیه‌السلام) در پیمایش منطقی خود برای پاسخ‌گویی، همه گام‌ها را بر آیات الهی استوار ساخت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۱، ص ۷۸)

پاسخ‌های ایشان به گره‌های فکری مأمون، آن چنان استوار و منطقی بود که وی پس از شنیدن هر یک از پاسخ‌های امام به شبهات قرآنی عبارت «فَرَجَّتْ عَنِّي يَا أَبَا الْحَسَنِ فَرَجَ اللَّهُ عَنكَ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۱۱) را به زبان می‌آورد.

گفتن عباراتی چون «بارک الله فیک»، «جزاک الله عن الانبیاء»، «صدقت یابن رسول الله»، «لِلَّهِ دَرْكٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ» و «لقد شفیت صدری» (همان، ص ۷۹)

از شخصی چون مانند مأمون، نشانگر استواری سخن، منطقی بودن براهین و آگاهی کامل امام رضا (علیه‌السلام) از قرآن بود سبب تمجید و تحسین بزرگ‌ترین دشمنان نیز می‌شد. ابراهیم بن عباس در گزارشی، تمامی پاسخ‌های امام رضا (علیه‌السلام) به این شبهات را برآمده از قرآن دانسته است. (حرعاملی، ج ۶، ص ۲۱۷)

## ۱۴. پرهیز از آفات مناظره به ویژه مجادله و مغالطه

هدف از مناظره مطلوب و پاسخ‌گویی به شبهات، نمایاندن حق و قانع کردن مخاطب است نه به دام انداختن او برای ساکت شدن.





مقصود از آفات مناظره، هر عمل یا انگاره غیر اخلاقی و غیر علمی است که مناظره را از مسیر حق جویی خارج می‌سازد. رفتارهایی چون حسد، دروغ، تحریف انگاره‌ها، خود برتر بینی و انواع مغالطات نمونه‌های از این آفات هستند.

با نگاهی به سیره رضوی می‌توان دریافت امام رضا (علیه‌السلام) با رفتار خویش آفات و کج‌تابی‌های دو سوی مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات را به حداقل می‌رساندند. پیش‌گیری از این آسیب‌ها در گرو احراز شرایط پاسخ‌گویی و مناظره و پای بندی به بایسته‌های اخلاقی آن است.

گرچه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های شبهه‌گری و در پاره‌ای موارد پاسخ‌گویی، استفاده از مغالطه پهلوان پنبه یا کوچک‌نمایی است؛ ولی امام رضا (علیه‌السلام) برای اثبات نادرستی باورهای مخالفان هرگز این روش را به کار نبرد.

نمونه‌های فراوانی از امانتداری در انگاره‌های شبهه‌گر و پرهیز از تحریف آن‌ها را در مناظرات حضرت با دانشمندان سایر ادیان و دقت در نقل گزاره‌های مقبول آن‌ها می‌توان دید. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۸)

کاربست مغالطه کوچک‌نمایی توسط سلیمان مروزی نیز، پاسخی جز استدلال‌های منطقی و رعایت آداب علمی و اخلاقی در بر نداشت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹، ص ۱۷۸)

## ۱۵. برخی روش‌های دیگر

نمونه‌های دیگری از آداب و اخلاق پاسخ‌گویی به شبهات را در سیره رضوی می‌توان یافت که کاربرت آن‌ها در شبهه پژوهی به آماده کردن پاسخی اثر بخش خواهد انجامید. نمونه‌های از این روش‌ها عبارتند از: رعایت تناوب و ترتیب در نتیجه‌گیری و پاسخ‌گویی، پرهیز از طولانی کردن پاسخ، کاربرت الفاظ محترمانه برای مخاطب قرار دادن شبهه‌گر و مهر ورزی به خودی‌های دچار شبهه.

افزون بر این روش‌های اخلاقی و علمی، امام از روش‌های دیگری نیز برای بیدار کردن



فطرت حق جوی آدمی بهره می گرفت.

پاسخ به سوالات ذهنی طرح نشده، آگاهانند از امور مخفی بر همگان، دعا برای زدوده شدن انحرافات فکری و اخبار از ضمیر افراد همگی نمونه‌هایی هستند که امام هشتم با کاربست آن‌ها سبب زدودن شبهات شناختی و عملی افراد می‌شد. (حسینی قزوینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۷۸/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۷۱/طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۱)

امامان معصوم نه تنها در زمان حیات ظاهری شبهات فکری و عملی جویندگان حقیقت را می‌زدودند بلکه پس از حیات مادی نیز سبب هدایت آن‌ها می‌شدند.

برای نمونه، گزارش شیخ صدوق از هدایت یافتن یکی از تردید کنندگان در امامت امام رضا (علیه‌السلام)، به نام محمدبن عمر نوقانی نمونه‌ای از این راهگشایی‌هاست. درین گزارش، وی با دیدن نوری در اطراف محل دفن امام هشتم (علیه‌السلام) و گشوده شدن درب‌های بسته حرم رضوی از شبهه‌گری درباره امامت امام رضا (علیه‌السلام) دست برداشت و به همراه مادرش مذهب تشیع را برگزید. (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۴، ص ۳۴۵)

## نتیجه بحث

با مطالعه سیره رضوی می‌توان دریافت که روش‌های پاسخ‌گویی به شبهات به دو رده اسلوب‌های علمی و بایسته‌های اخلاقی تقسیم می‌شود.

روش‌شناسی رفتار و گفتار امام رضا (علیه‌السلام) که بر نظام اخلاق اسلامی استوار است، الگویی مناسب برای پاسخ‌گویی به شبهات در همه زمان‌هاست. بازیابی نقشه نظام پیش گفته در گرو سیره پژوهی رضوی و آگاهی از بایسته‌های دانش کلام اسلامی است.

آگاهی از مجموعه این رفتارها در کنار پژوهیدن نمونه‌های واقعی آنها در سیره رضوی، مهارت‌های رفتاری و گفتاری پاسخ‌گویی به شبهات را در دانش شبهه‌پژوهی تقویت می‌کند.



## منابع و مأخذ

﴿قرآن کریم﴾

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، اول، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن حمید، صالح؛ اصول الحوار و آدابه فی الاسلام؛ مکه، دارالمناره، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۶. ارپلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی المعرفه الأئمه، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۷. آقا نوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.
۸. یحزانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه بعثه، ۱۳۷۴.
۹. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۱۰. جزائری، ریاض الابرار فی مناقب الائمه الاطهار، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، ۱۳۸۰.
۱۲. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تهران، اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، ۱۳۸۰.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل و سائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، آل البيت، ۱۴۰۹.
۱۶. حسینی قزوینی، محمد، موسوعه الامام الرضا (ع)، قم، موسسه ولی عصر (عج)، ۱۳۸۷.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامه الحلّی، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۸. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.



۲۰. زمزمی، یحیی، الحوار آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و دارالتربیه والتراث، ۱۴۱۴ق.
۲۱. سعدی، صلح الدین، گلستان سعدی، غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲.
۲۲. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۴ق.
۲۳. الصالح، صبحی، نهج البلاغه، تهران، را علم، ۱۳۸۶.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۸. علوی، سهراب، امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.
۲۹. فرامرز قراملکی، احد، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی واجتماعی وزرات علوم، ۱۳۸۹.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. فیض کاشانی، محمد بن حسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۳۲. مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۶. نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، تهران، ابن سینا، بی تا.
۳۷. واسعی، سید علیرضا، درآمدی بر روش های تبلیغی ائمه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

